



## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره‌ی هند(6)

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا  
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: اردیبهشت 1396 - شماره 672  
از 24 تا 31  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1258673>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

### در شبه قاره هند

(۶)

در شماره گذشته (فروردین ماه ۹۵) در باره غوغای غوریان در هند و طلوع فرهنگ و تمدن اسلامی در عصر امرای خلجی و تغلقی مطالبی تقدیم کردیم و اینک ادامه بحث:

برافراشتن پرچم مذهب اهل بیت در  
احمدنگر هند  
فرمانروایی نظام شاهی در احمدنگر  
هندوستان در سال ۸۹۶ق توسط احمد  
نظام شاه تأسیس گردید که تا سال  
۱۰۴۳ق دوام پیدا کرد. شهید آیت الله  
مطهری می نویسد: احمد وقتی به  
زمامداری رسید، مذهب تشیع را  
پذیرفت و در ترویج مذهب جعفری  
اهتمام ویژه‌ای از خود بروز داد. اکثر  
رجال درباری و کارگزاران حکومتی،  
شخصیت‌های علمی و مذهبی قلمرو  
نظام شاهی، ایرانیان شیعه مذهب بودند  
که امور سیاسی، مذهبی و فرهنگی را

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

مدیریت و نظارت می‌کردند. **میرزا طاهر دکنی همدانی** در عصر این سلسله رهسپار هندوستان گردید و در دربار نظام‌شاهیان بسیار معظّم و محترم زندگی کرد. تلاش‌های آموزشی و تربیتی این عالم از آن جهت درخور اهمیت است که حوزه درسی بسیار بزرگی در این سرزمین تشکیل داد و دانشمندان و مشاهیر زیادی را در شاخه‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی تربیت کرد. خدمات ارزنده وی در ترویج تشیع، آن‌هم در سرزمین هند، ارزنده و درخور تحسین است<sup>(۱)</sup>.

اختلاف نظام‌شاهیان با **بهادر** - شاه گجرات - بر سر محلی به نام «پاتری» در مرز دو مملکت بود. در سال ۹۳۶ق

مخطوطی داشت که به خط حضرت علی علیه السلام بود. وی این اثر نفیس را با خود برداشت و به اتفاق برهان‌شاه به دیدار بهادرشاه رفت. همین‌که چشم بهادر به این قرآن افتاد، سؤال کرد این چیست؟ وزیر پاسخ داد: قرآنی به خط امیرمؤمنان علی علیه السلام است. بهادر شادمان گردید و بی‌اختیار از تخت سلطنت فرود آمد و به استقبال شتافت. اول آن مصحف شریف را دریافت و سه مرتبه بر آن بوسه زد و بر چشمان خویش مالید و به حالت ایستاده جواب سلام برهان‌شاه را داد. پس از این دیدار، بهادرشاه اجازه داد تا برهان‌شاه به سرزمین خود بازگردد و وی را مخاطب قرار داد که: **خطاب نظام‌شاهی مبارک باشد.**

در سال ۹۴۴ق **برهان اول** به ترویج تشیع روی کرد جدی نشان داد و چون نشان دوازده‌امام رنگ سبز بود، به

۱. خدمات مستقابل اسلام و ایران، ص ۳۴۶-۳۴۵.

برکنار شود. در این ایام، خصومت‌های قومی و مذهبی علنی گردید و دیری نگذشت که بومیان دکنی زمام امور را در اختیار گرفتند و در مدت یک هفته هزار نفر از مهاجران شیعی را کشتند. **اسماعیل** - نواده حسین دوم - وقتی حکومت را به دست گرفت، متأسفانه از مذهب شیعه اثنی‌عشری فاصله گرفت و چون حامی او **جمال خان دکنی** - پیرو محمد جونپوری - بود که ادعای مهدویت داشت، شاه را به پذیرش این تفکر انحرافی و بدعت‌آمیز دعوت کرد. جمال خان تمام افرادی را که این سخن یعنی موضوع مهدویت را تصدیق و تأیید نمی‌کرد، مورد آزار و تحت تعقیب قرار داد و حتی منازعات خونین و اسفباری به راه انداخت تا آن‌که **برهان دوم** نظام شاهی - پدر اسماعیل - بر جمال خان دکنی تاخت و او را منهزم کرد و تاج و تخت را از پسر خود گرفت و به قلع و قمع مدعیان مهدویت پرداخت و این

راه‌نمایی **طاهر دکنی** چتر و رأیت (پرچم) خود را سبزرنگ کرد و حکم کرد در معابر، بازارها، مساجد و حتی معابد، آداب و رسوم و شعائر شیعیان ترویج گردد و از مخالفان و معاندان خاندان عترت بیزاری جویند.

برهان شاه در سال ۹۶۰ ق درگذشت. پیکرش را به کربلا بردند و در جوار آستان حسینی دفن نمودند. در این دوران، مسلمانان منطقه علیه پادشاهان هند و معابد هندو متفق گردیدند و هنگامی که لشکرهای مسلمان پیشروی می‌کردند، قبل از آغاز یورش هر لشکر، دوازده پرچم به احترام دوازده امام بر می‌افراشتند. در سال ۹۸۲ ق **مرتضی نظام‌شاه** منطقه برآر را ضمیمه قلمرو خود کرد.

تا دوران حکمرانی **حسین دوم** که در ۹۹۵ ق روی کار آمد، تشیع؛ مذهب رسمی نظام شاهیان بود، ولی روش استبدادی وی باعث شد در همان ابتدا

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

فرمانروایان این سلسله با طغیان مخالفان مواجه گردیدند، راه اعتدال را پیش گرفتند<sup>(۲)</sup>. پیتر هاردی عقیده دارد سلسله بهمنیه که کنترل نوار غربی ساحلی را لازم می‌دید، مهاجران مسلمان را که دارای مهارت‌های نظامی و دیوانی بودند؛ همچنین شمار بسیاری از بردگان را که در اختیار بازرگانان مسلمان بودند از ایران، نواحی غربی و آفریقای شمالی به سوی خود جذب کرد، اما این سلسله به پنج حکومتی که جانشین آن شدند، یعنی حکومت‌های احمدنگر، بیجاپور، بیدر، برار و گلکنده در اواخر سده نهم هجری تقسیم گردید و سرانجام در قرن یازدهم هجری این پنج منطقه در امپراتوری مغولان هند

تفکر انحرافی را در آن منطقه ریشه کن کرد و به نسق سابق، مذهب اثنی‌عشری را دوباره رسمی نمود. شورش‌های هم‌کام در این زمان به هواخواهی اسماعیل در مخالفت با شیعیان درگرفت، توسط وی سرکوب شد.

در سال‌های نخست قرن یازدهم هجری، هنگام فرمانروایی مرتضی دوم (۱۲-۱۱ق) سفیری از احمدنگر به دربار ایران رفت و در مقابل، نماینده‌هایی از ایران صفوی به احمدنگر فرستاده شد، اما دیگر مجالی برای مساعدت دربار صفوی باقی نمانده بود و هنگامی که اکبرشاه بابری این سلسله را وادار به پرداخت خراج کرد، نظام شاهیان استقلال خود را از کف دادند و در زمان شاهجهان بابری به سال ۱۰۴۴ق این سرزمین ضمیمه خاک امپراتوری مغولان هند شد<sup>(۱)</sup>.

بنا به گفته عزیز احمد، تشیع حاکمان احمدنگر مقداری غلیظ‌تر از دیگر حکمرانان دکن بود، اما وقتی

۱. تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۲۳ و ۲۳۶-۲۳۱ و ۲۸۰ف تشیع در هند، ص ۱۳۳-۱۳۱، مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۳۵۲، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۶۱-۴۶۲.  
۲. تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۳۹.

سیاحان بدانجا روی آوردند و ازدیاد سکنه‌اش باعث تأسیس شهر مهم حیدرآباد گردید.

این دیار، مهم‌ترین بازار الماس در آسیا بود که شرح آن را **مارکوپولو**، **تاورنیه و نیکولو کونتی** آورده‌اند. در این جا الماس را تراش و صیقل و شکل می‌دادند و به دیگر نواحی مختلف جهان صادر می‌کردند. گلکنده؛ مرکز داد و ستد الماس باقی ماند، اگرچه حیدرآباد از حیث شکوه و جلال رقیب آن بود. از دروازه‌های این شهر چهار دروازه هنوز باقی است که عبارتند از: **فتح دروازه** که لشکریان فاتح اورنگ زیب از آنجا وارد شهر شدند؛ **بنجاره دروازه** که راه مقابر سلاطین قطب‌شاهی است؛ **دروازه مروارید** و **دروازه بالاحصار** که قلعه دفاعی آن ۱۲۰ متر نسبت به سطح زمین ارتفاع دارد. به

تحلیل رفتند. این حکومت‌ها بر ترکیب جمعیت مسلمان دکن تأثیر اندکی داشتند<sup>(۱)</sup>.

یادآور می‌شویم که **احمدنگر** منطقه‌ای است در ایالت بمبئی که به فاصله ۱۰۳ کیلومتری شمال شرقی پونه قرار دارد و توسط احمدشاه - مؤسس سلسله نظام‌شاهیان - تأسیس گردیده است<sup>(۲)</sup>.

#### شکوه شیعیان در نواحی مرکزی هندوستان

**قطب‌شاهیان** سلسله‌ای شیعه بودند که در منطقه دکن در ناحیه **گلکنده** واقع در قسمت مرکزی هند و حوالی حیدرآباد طی سال‌های ۹۱۸ تا ۱۰۹۸ ق حکومت می‌کردند. **سلطان‌قلی قطب‌الملک** - مؤسس این دولت - نام این ناحیه را به **محمدنگر** تبدیل کرد. **گلکنده** در زمان **رونقش**، از مراکز مهم فرهنگی، علمی و تجاری به‌شمار می‌آمد و کاروان‌هایی از فضلا و ادبا و معماران و

۱. مسلمانان هند و بریتانیا، ص ۲۲-۲۰.

۲. دائره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ج ۱، ص ۶۵.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

و بعد از توقف کوتاهی در مکه و مدینه رهسپار دکن شد و در اوایل محرم الحرام ۹۸۹ق به گلکنده رسید. یک سال قبل از ورود وی به این ناحیه، ابراهیم قطب شاه درگذشته بود و محمدقلی قطب شاه پایتخت را برای نظارت بر محاصره فالدورگ ترک کرده بود. اگرچه سید علی بن عزیزالله طباطبایی - مؤلف کتاب **برهان ماثیر** - که مانند میر محمد، مهاجری تازه وارد بود، به خط مقدم جنگ رفت، اما میر محمد ترجیح داد در گلکنده فعالیت های آموزشی و تحقیقی خود را دنبال کند.

**سلطان قلی** که خود اهل اسدآباد همدان بود و در زمان سلاطین بهمنی به دکن مهاجرت کرده و در دستگاه این سلسله لیاقت هایی از خود بروز داده بود، تحت تأثیر تقوا و ذکاوت این عالم قرار گرفت و از سال ۹۳۳ق او را به سمت پیشوایی دربار منصوب کرد. پیشوا تمام سیاست های قضایی،

فاصله کمی در شمال این دروازه، **مسجد جامع** قرار دارد که سلطان قلی قطب آن را در ۹۲۴ق بنا نهاد<sup>(۱)</sup>.

قطب شاهیان در دکن، در تبلیغ آیین اسلام و ترویج و گسترش مذهب تشیع سعی وافر نمودند و در این ایام عده ای از علما و مبلغان دینی از ایران برای فعالیت های تبلیغی و ترویجی به دکن رفتند. یکی از شخصیت های نامداری که در این عصر به هند مهاجرت کرد، **میرمحمد مؤمن استرآبادی** است که در جمع علوم متداول - از معقول و منقول - متبحر و اعلم علمای عصر خویش به شمار می رفت<sup>(۲)</sup>.

میرمحمد مؤمن از سادات برجسته استرآباد (استان گلستان کنونی) بود. پدرش **سید علی شرف الدین سماکی** و مادرش خواهر عالم مشهور، **امیر فخرالدین سماکی** - از شاگردان برجسته **میر غیاث الدین شیرازی** - بود. میر محمد در دوران حکمرانی **سلطان محمد خدابنده** (۹۹۵-۹۸۶ق) وقتی تزلزلی در دولت صفوی دید، از قزوین که مرکز حکومت صفوی بود، عازم حجاز گردید

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۴۰.

۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۴۴.

رسول اکرم ﷺ، فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت علی علیها السلام، امام حسن علیها السلام و امام حسین علیها السلام وجود دارد.

یکی دیگر از عمارت‌های مهم مذهبی، عاشورخانه بود که بنایش در ۱۰۰۱ق آغاز شد. در دکن به ساختمان‌هایی که برای مراسم سوگواری‌های محرم استفاده می‌شود، عاشورخانه می‌گویند. ابراهیم قلی قطب‌شاه، لنگر دوازده امام ساخت که به نام دوازده ائمه اثنی عشر و برای شفاعت و در آن‌جا به مردم غذا داده می‌شد. در همین سال عَلمِ حسینی در عاشورخانه گلکنده برافراشته شد. کنگره فلزی آن، به شکل دست به نشانه شکوه و معنویت پنج تن آل عبا ساخته شد.

در سال ۱۰۰۴ق با نظارت میر محمد مؤمن استرآبادی بیمارستانی ساخته شد که در واقع دانشکده پزشکی بود و در آن، پزشکان متبخر نه تنها به وضع بیماران رسیدگی می‌کردند، بلکه پژوهش‌هایی درباره انواع داروها انجام می‌دادند. مریض‌ها بدون پرداخت

مذهبی، فرهنگی و سیاسی را در قلمرو پادشاهی رهبری می‌کرد و این مقام برابر با نخست وزیر بود.

میر محمد مؤمن توجه حاکم قطب‌شاهی را از جنگ و توسعه طلبی به تقویت نظام اداری داخلی و تجدید سازمان حیات فرهنگی کشور معطوف ساخت. او کوشید بین فرمانروایان دکن اتحاد و انسجام برقرار سازد. شاه عباس صفوی عمیقاً تحت تأثیر خدمات میر محمد در جهت توسعه حیات فکری و مذهبی شیعه در قلمرو سلطان قطب‌شاهی قرار گرفت. ابراهیم قلی که روی کار آمد، مقام میر مؤمن را حفظ کرد. او تصمیم گرفت با نظارت میر مؤمن، شهری جدید در این مکان بنا کند. این شهر بر اساس طرح شبکه‌ای بود که در آن، دو راه اصلی شرقی، غربی و شمالی و جنوبی طراحی شده بود و این راه‌ها در مجموعه چهار مناره هم دیگر را قطع می‌کردند. در بخش غربی بنای مسجد بسیار زیبا با قوس‌های دوبله که نشانه پنج شخصیت اسلام یعنی



### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

ویژگی حکومت قطب شاهیان، ایجاد اتحاد و اتفاق میان اقشار گوناگون بود. رواج مذهب تشیع و برگزاری مراسم ویژه شیعیان به ویژه سوگواری‌های محرم، هم‌زیستی و دوستی را برانگیخته و تقویت می‌کرد. سرانجام **اورنگ زیب** در ۱۰۹۸ ق گلکنده را محاصره کرد و مرکز حکمرانی قطب شاهیان را تسخیر نمود. زوال این سلسله اگرچه موجب تنزل شدید تشیع گردید، ولی در عین حال باقی ماند. قلی قطب شاهی، پادشاهی گلکنده را به عنوان حکومت شیعی پایه‌گذاری کرد که در آن، خطبه به نام ائمه اثنی عشر شیعه خوانده می‌شد. گلکنده تمدن شیعی را که توسط **میر محمد مؤمن و میر جمله** مایه می‌گرفت، بسط و تکامل بخشید<sup>(۱)</sup>.

هزینه، پذیرش می‌شدند و داروی رایگان به آن‌ها داده می‌شد. میر محمد، افزون بر بنای حیدرآباد، آبادی‌های زیادی به عنوان مراکز سکونت شیعیان بنا کرد. وی در این نقاط، مسجد، کاروان‌سرا، عاشورخانه، آب انبار و باغ‌های سرسبز ساخت که ابن بناها باعث آشنایی روستائیان هندو مذهب با شیوه زندگی شیعیان می‌شد. میر محمد مؤمن در این آبادی‌ها، نمادهایی از حماسه کربلا را به نمایش گذاشت تا کنجکاوی بومیان را برانگیخته و آنان را برای گرایش به تشیع راغب سازد. به تشویق او دولت قطب شاهی مراسم ویژه ایام محرم و دیگر مناسبت‌های مذهبی را به مناسبت سالروز ایام ولادت و شهادت ائمه و اعیاد اسلامی برگزار کرد. میر محمد که با قدرت تمام در جهت ترویج مذهب تشیع فعالیت می‌کرد، در سال ۱۰۲۱ ق حیدرآباد را ترک کرده و به بیجاپور رفت و از آنجا به ایران بازگشت و موفق گردید در دربار شاه عباس اول منصبی به دست آورد.

۱. گلشن ابراهیمی، ج ۲، ث ۱۷۴، حدیقه السلاطین، نظام‌الدین، ص ۳۳-۳۴، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱ ص ۱۴۶، علامات دکن، ص ۴۶-۴۷ و ۸۵ و ۲۰۱، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۲۸، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۸۵-۴۷۹، تشیع در هند، ص ۱۳۶-۱۳۵.